

درس ششم: استعمار در قرن نوزدهم

استعمار در لغت به معنی طلب عمران و آبادانی است. این واژه زمانی بکار برده شد که اروپائیان اعلام داشتند که هدفشان از رفتن به آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا آباد کردن این کشورهای و متمدن ساختن این نواحی است. اما هدف آنها دست انداختن به منابع ثروقت این سرزمین ها و ساقط کردن حکومت ملی و مردمی و روی کار آوردن حکومت های مطیع خودشان بود.

شکل های گوناگون استعمار

- ۱- حمله نظامی و تصرف خاک یک کشور
- ۲- تحت الحمایه نمودن
- ۳- اخذ امتیازات سیاسی - اقتصادی

الف - آفریقا در جنگال استعمار

مصر: آغاز یک هجوم دیگر

مصدر در قرن نوزدهم هنوز جزیی از عثمانی بود و بدلیل راه کوتاه خشکی از دریای مدیترانه به دریای سرخ مورد توجه اروپائیان بود (کانال سوئز حفر نشده بود)

در سال ۱۷۹۸ میلادی ناپلئون به دلیل ضربه زدن به انگلستان درصدد لشکر کشی به هند برآمد اما ابتدا تصمیم به حمله به مصر را گرفت. ناپلئون در مصر خودش را طرفدار مردم و دشمن مملوکان (طبقه حاکم در مصر) معرفی کرد. انگلیسیها هم از طیق نیروی دریای وارد مصر شدند عثمانی هم یکی از سرداران خود به نام محمد علی پاشا را به مصر فرستاد. محمد علی پاشا توانست با کمک مردم مصر فرانسوی ها را از مصر بیرون کند و مانع دست اندازی انگلیسیها بر مصر گردد.

محمد علی پاشا

او با جلب رضایت سلطان عثمانی سلسله خدیوان مصر یا خاندان محمدعلی پاشا را تأسیس کرد.

تهاجم استعمارگران فرانسوی و انگلیس به مصر محمد علی را متوجه دو نکته اساسی کرد:

- ۱- ارزش و اهمیت نظامی - سیاسی مصر بویژه برای استعمار انگلستان
- ۲- عقب ماندگی مسلمانان بویژه مصریان نسبت به اروپائیان

اقدامات و اصلاحات محمد علی پاشا

۱- مبارزه با زمیندارانی که سالیان دراز دهقانان فقیر مصری را استثمار می کردند.

۲- بازسازی و نوسازی ارتش مصر

۳- تنظیم امور مالی مصر

۴- توسعه راههای ارتباطی

۵- فرستادن گروهی از جوانان مصری برای فرا گیری علوم جدید به اروپا

جانشینان محمد علی پاشا افراد لایقی نبودند به همین دلیل سعید پاشا به امید کسب درآمد با ساختن کانال سوئز موافقت کرد.

پس از افتتاح کانل سوئز دولت مصر بدلیل بدهکاری های سنگین خود به بانک های اروپایی سهم خود را به کشور انگلستان فروخت و بدین ترتیب اداره و بهره برداری از منافع کانل سوئز به انگلستان واگذار شد. بدلیل دخالت کشور انگلستان در اواخر قرن نوزدهم مصر زیر سلطه ی انگلستان رفت و سرانجام در قرن بیستم این کشور به صورت تحت الحمایه انگلیس درآمد.

قیام عربی پاشا مهمترین جنبش سیاسی - نظامی مصریان علیه استعمار انگلیس بود که در هم شکسته شد. محمد عبده و عبدالرحمن کواکبی از مبارزان فعالیتهای فرهنگی مصر بودند.

دیگر مستعمرات انگلستان در آفریقا:

الف: سودان ، بعد از تصرف سودان به دلیل ظلم و گرفتن مالیات زیاد ، مردم سودان به رهبری محمد احمد(المهدی، مهدی سودانی - پیروانش مهدیون) قیام کردند و حکومت مستقلی را تشکیل دادند. انگلیسیها با کمک فرانسوی اه توانست آنها را شکست بدهند و سودان با عنوان ، سودان مصر و انگلیس به صورت مستعمره درآمد.

سیسل رودس فرمانده انگلیسی زیمباوه و زامبیا را تصرف کرد و در نواحی دیگر اوگاندا و کنیا به تصرف انگلیسیها درآمد.

در در مناطق جنوبی آفریقا مقاومت مردم سیاپوست به نام زولوها انگلستان را دچار مشکل کرد.

هم چنین بوئرها ، دهقانان مهاجرهلندی، در برابر انگلیسیها درست به مقاومت زدند.

استعمار فرانسه در آفریقا:

الجزایر :

در قرن نوزدهم الجزایر بخشی از امپراتوری عثمانی بود که عثمانیها برای آن حاکم تعیین می کردند.

بهانه فرانسه برای حمله به الجزایر ۱۸۳۰م: فرانسه به دلیل خرید مواد غذایی به الجزایر بدهکار بود وقتی دولت الجزایر از فرانسه طلبکاری خود را خواست فرانسه به بهانه مورد هجوم قرار گرفتن کشتی های آنها توسط دزدان دریایی از پرداخت بدهی خوداری کرد. این مسئله باعث مشاجره تند میان حاکم الجزایر و نماینده دولت فرانسه شد .

رهبری نیروهای الجزایر علیه اشغالگران فرانسوی را امیر عبدالقادر بر عهده داشت.

علت پیروزی فرانسویان : استفاده از امکانات و تجهیزات برتر در ۱۸۴۳ م

نتیجه : تبعید امیر عبدالقادر به دمشق و تصرف الجزایر توسط استعمارگران فرانسه

الجزایر سرانجام در ۱۹۶۲ میلادی به استقلال رسید.

استعمار گران جدید:

آلمان و ایتالیا دو رقیب تازه در قرن نوزدهم: مهم ترین خواسته های این کشورها داشتن مستعمره هایی در جهان بود.

دلایل ادعای آلمان:

نیازهای صنعتی ، رشد جمعیت و محدودیت خاک

آلمان در آفریقا تانزانیا ، نامیبیا ، کامرون و توگو را تصرف کرد.

ایتالیا :

الگوی ایتالیا برای کسب مستعمره ، روم باستان بود.

اما لشکر کشی ایتالیا به حبشه در ۱۸۹۶م. به رغم داشتن سلاح های جدید با شکست روبرو شد که باعث تعجب جهانیان

شد.

بلژیک :

آخرین کشوری که به استعمارگری روی آورد بلژیک بود. وی توانست کشور کنگو را به تصرف درآورد.

ب: استعمارگران در امریکای لاتین:

پرتغالی ها و اسپانیایی ها نخستین استعمارگرانی بودند که وارد امریکای لاتین شدند.

عمده ترین عوامل جنبش استقلال طلبانه مردم امریکای لاتین:

۱- استعمارگران اسپانیایی و پرتغالی با این مردم رفتاری تحققی آمیز داشتند در حالی که دارای مشترکات دینی- زبانی و تاریخی بودند.

۲- مردم آمریکای لاتین تحت تأثیر اندیشه های انقلاب فرانسه مانند شعار آزادی و برابری قرار داشتند.

۳- در عصر ناپلئون با فتح اسپانیا خاندان سطنتی اسپانیا به طور موقت برکنار شده بود زمینه برای شورش آزادی خواهان فراهم شد.

۴- پیروزی انقلاب استقلال آمریکا نیز تمایلات و شور استقلال طلبی را دامن می زد.

۵- فاصله طبقاتی و قرار گرفتن تمامی مناصب و مقامات مهم حکومتی و زمین های وسیع در دست تعدادی از خاندان های اشرافی وابسته به استعمارگران بود.

سیمون بولیوار قهرمان جنبش استقلال طلبی مردم آمریکای لاتین بود .

ونزوئلا ، کلمبیا و پرو را آزاد کرد . بولیوار با لشکر کشتی به بولیوی، این کشور را از قید استعمار رها ساخت.

امپریالیسم آمریکا :

ایالات متحده نمی خواست که سرزمین های دیگر را با زور و قدرت نظامی تصاحب کند بلکه در پی آن بود که کالاهای خود را به کشورهای دیگر صادر کند ؛ از این رو، سرمایه های خود را در راه آهن و معادن و سایر مؤسسات اقتصادی کشور های آمریکای لاتین به کار انداخت و به دولت های آن نیز وام داد. به تدریج، این سرمایه داران و بانکداران آمریکایی که توسط دولت ایالات متحده حمایت می شدند ، دولت های آمریکای لاتین را زیر سلطه ی خود در آوردند و به گروه ها و احزاب طرفدار خود کمک مالی یا سیاسی می کردند.

این شیوه ی جدید در استثمار ملت ها همان است که در اصطلاح به آن «استعمار نو» می گویند.